

### ارتش آرمانخواه، پایندان استقلال ملی است

#### توطئه دشمنان ملت را باید درهم شکست

#### هشدارهای حزب ملت ایران پیرامون نیرومندی سازی ارتش

در صفحه دوم

# شناخت گستره ایران زمین

● نقش برجسته عاملهای طبیعی و فرهنگی در سازمان یابی مرزها  
● ایران در یکی از بنیادمندترین حرکتهای تاریخی خود

بقیه در صفحه چهارم

## ضرورت گسترش کشاورزی در زمان جنگ

### وظیفه سنگین کسانی که در پشت جبهه پیکار می کنند.

شاید با اهمیت ترین آنان قشر بزرگی هستند که در بخش کشاورزی به تولید میپردازند این گروه از کشاورز ساده گرفته تا عالیترین مهندسان که در این بخش فعالیت می کنند نقشی حساس در زمان جنگ را برعهده دارند.

کار بدستان بخش کشاورزی در زمان جنگ وظیفه دار برنامهریزیهای خاص این دوره میباشند و باید بکوشند که با توجه به نیاز عمومی پیش بینی های لازم را کرده با استفاده از همه امکانات، و طرح های پیش بینی بمرحله اجراء در آورند.

جنگ همیشه با درهم کوبیدن و خرابیهای گوناگون همراه میباشد و پس از پیروزی نمیتوان تمام واحدهای اقتصادی بخصوص در بخش صنعتی را که در زمان جنگ بدست می آورند بیگانه به نابودی کشیده است به یک باره بازسازی و کوشا نمود.

از اینرو پس از خاتمه هر جنگی، بخش ویران شده صنعت با حرکتی ضعیفتر بازسازی میگردد و این موضوع در تمام کشورهای جنگ زده بوضوح تجربه شده است و حتی پس از جنگ جهانی دوم احیای بقیه در صفحه هفتم

با انفجار هزاران گلوله تانک و توپ و سایر سلاحها و بمبارانهای مرگبار اقتصادی و نظامی در غرب و جنوب کشور در عمل جنگی ناخواسته بمردم ایران تحمیل شده است، جنگی که دیده شد، پس از شروع یورش غافلگیرانه گماشتگان امپریالیستها به مرزهای میهن ما، همه گروههای اجتماعی و به پیشاپیش آنان ارتش جمهوری اسلامی ایران، مشت محکمی به پوزه این مزدوران زدند و بی شک تا پیروزی نهائی و آزاد سازی مردم برادر عراق که پیوند تاریخی آنان با ایرانیان ناگسستنی است، ایرانیان بپاخاسته از کوشش و پیکار باز نخواهند ایستاد و به این تجاوزگران درس عبرت خواهند داد. ولی پیروزی در میدان جنگ بستگی به عاملهای گوناگون دارد و نمیتوان از این حقیقت دور بود که همیشه در زمان جنگ سربازانی در میدان رزم حماسه آفرینی میکنند و سربازانی نیز در پشت جبهه بوظیفه خود عمل مینمایند و به تهیه و تولید مواد لازم میپردازند که ملت بتواند در قالب نظام جنگی بزندگی پویای خود تا پیروزی نهائی ادامه دهد. از جمله سربازان پشت جبهه و

## اقتصاد کشور را باید از تباهی رها کنید

### از سیاستهای اقتصادی ناهم آهنگ دست بردارید ایران، نباید در دور مصیبت خیز «تراکم فقر» فرو افتد

جنگ با گماشتگان امپریالیسم در مرزهای غربی کشور، دارای چنان اهمیتی است که باید همه نیروهای کشور برای پیروزی قطعی در آن بسیج گردند.

هر آرزو که برای آینده میهن خود داریم، به پیروزی ما در این نبرد بستگی پیدا میکند، باید پیروز شویم و پیروز هم خواهیم شد. ولی رسیدن به پیروزی در جنگهای جدید، و سپس بهره گیری از آن علاوه بر قدرت نظامی به تدارکهای فراوان سیاسی و اقتصادی نیاز دارد.

هنگامه درگیریهای جنگی، نباید ما را از اتفات به نیازهای اقتصادی کشور بازدارد، زیرا سامان دادن به آن یکی از اساسی ترین وثیقه های پیروزی است.

نباید پنداشت که درگیری حاضر، واپسین درگیری است و برانگیزندگان عراق، پس از درهم شکسته شدن این تجاوز، آرام نخواهند گرفت و بی گفتگو دشواریهای تازه ای در برابر جمهوری اسلامی ایران قرار خواهند داد.

نباید پنداشت که با فرو کوفتن دولت نژاد گرای بعث داستان تجاوز به پایان می رسد تا امپریالیستها برجا هستند داستان تجاوز دست نشاندگان آنها تکرار خواهد شد. و از اینرو نباید اجازه داد که در این نبرد همه قدرت کشور تحلیل رود.

باید در همان لحظه که با عراق، و هر گماشته دیگر امپریالیسم در جنگیم، بر توانائی های خود بیفزائیم.

تحلیل رفتن قدرت اقتصادی، ما را در صحنه های درگیری ناتوان خواهد داشت و نباید دانست پیروزی ما، بستگی کامل به حیات اقتصادی کشور دارد.

وضع اقتصادی، در حال حاضر، به هیچ روی دلخواه نیست، ایران میتواند شرایط اقتصادی بسیار مناسبتر از این داشته باشد. ایران انقلابی نتوانسته بود ریخت اقتصاد خود را تعیین کند، آنچه در نظام گذشته وجود داشت نفی گردید ولی به جای آن یک نظم اقتصادی جدید قرار داده نشد. به واقع اقتصاد کشور از ریخت افتاده بود ولی در دوران سازندگی انقلاب هم در زمینه های اقتصادی یک برنامه سامان یافته عرضه نشد و در عوض گفتارها و نوشتارهای طولانی، درباره فلسفه و اندیشه های اقتصادی پدیدار شد بقیه در صفحه هفتم

پیدا شدن هرواحد اجتماعی و سیاسی بر روی هر سرزمین ویژه و شکل گیری آن در برابر واحدهای اجتماعی و سیاسی همانند، از کهن ترین روزگار «مسائل مرزی» و کشمکش های گوناگون در رابطه با آن را، بوجود آورده است. تاریخ کشورهای جهان نشان میدهد که برای هیچ ملتی، مرزهای تغییر ناپذیر در همه جهت ها باقی نمانده است.

## آسیب رسانی به همبستگی ملی روحیه انحصارگری و بی اعتنائی به قانون را کنار بگذارید فراموش نکنید که ایران در جنگ با دشمن است

در وزارت ارشاد ملی تنور تشنج برافروخته اند. و کارکنان آن را بی اتفات به سابقه کار و توانائی ها و چگونگی گذران زندگی به زیر ضربه گرفته اند و بر این جمله نام عمل انقلابی گذارده اند. حزب ملت ایران بارها گفته است عمل انقلابی ساختن و به وجود آوردن میباشد نه ویران کردن. در دوران سازندگی انقلاب، عملکردی است غلط که از آن نتایج جزیریشانی مردم و تفرقه ملی پدید نمی آید.

ایران در شرایط حاضر در هر شرایط دیگری هم به استقلال بستگی ملی نیاز دارد و نمی تواند، از سرنوشت مشترک به دور باشد.

باید گروههای اجتماعی گوناگون در عمل احساس کنند، که زندگی و سرنوشت آنها مورد احترام حکومت است.

هیچ حکومتی، در هیچ شرایطی، حق ندارد که بر زندگی مردم خود تاخت آورد، حکومت نباید به ستیزه با ملت برخیزد. در هم شکستن بی محابای زندگی صدها خانواده آنها بخاطر انحصارگری ستیزه با ملت است و بی آمد آن پراکندگی فزاینده و با این شیوه ها «همبستگی ملی» پایدار نمی ماند.

هر حکومت، در برابر مردم خود تعهداتی دارد، و حکومتی که داعیه پیروی از آموزش های والای اسلامی سر داده است تعهداتی بیشتر از سایر حکومت ها دارد.

یکی از اصلی تری تعهد های هر حکومت فراهم آوردن زمینه های اشتغال نیروی کار و شکفتگی استعداد های کشور است. یکی از دلایل هائی که نظام سرمایه داری را سرزنش کرده اند همین بی اعتنائی آن ارزشهای انسانی و ناتوانی آنها از شکوفاندن استعدادها است و اینک در ایران به بدترین شکل ممکن به همان راه گام می نهند.

نیروی کاری که در اختیار است میتواند و باید سازنده و ثمر آفرین باشد و فراهم آوردن زمینه و شرایط این سازندگی و ثمر آفرینی وظیفه و مسئولیت دولت است.

بقیه در صفحه هفتم

## کارزار

\*\*\*  
در سیاه بی کران شب روشنان مشعل و فانوس راه می جویند تا پیکار از فراز کوه از نشیب تپه و ماهور از نهفت دره ها، از غارها، از کومه ها از کنار بیشه ها از خط ساحل از همه سو، راه می جویند سوی آتش روشن آزمونی سخت در کار است ر وز مرگ سرخ و پیکار است رهروان را نیک بنگر، می شناسیشان زخمی از شلاق چهره هاشان داغدار مرگ زخمی نامرد می ها، تلخ کامیها خنجری از پشت راهیان راه را پیوسته در تهدید لیک اینک کار کارستان شده آغاز حرف «ایران» است باید از دلمردگی بگذشت راه باید جست سوی آتش و میدان کارزاری سخت در پیش است تن به تن باید همه «آرش» سربه سر باید همه «نادر» تیر در ترکش نهیم و جان فدا سازیم تا که «ایران» را رها سازیم

۱۲ مهرماه ۱۳۵۹ «پروانه» \*\*\*

## سرنگون باد حکومت نژاد گرای بعث عراق











ارگان حزب ملت ایران

## ضرورت گسترش کشاورزی در زمان جنگ

صایع در آلمان با وجود آنکه بارماندگان از درجه تخصص و نیروی فنی خوبی برخوردار بودند چند سالی بطول انجامید، ولی بخشی از اقتصاد که میتواند چه در دوران جنگ و چه پس از آن با سرعت فعالیت کند، بخش کشاورزی میباشد که میتواند سرنوشته‌ساز گردد.

ملت ایران پس از پیروزی انقلاب با کمال تأسف از مدیران لایقی در این بخش برخوردار نبوده نزدیک به بیست ماه از پیروزی حق بر باطل در میهن ما میگذرد و اینک سومین وزیر کشاورزی و عمران روستائیی دوران انقلاب برگزیده شده است ولی این سازمان وسیع دولتی که میتوانست در دوران سازندگی با

## آسیب رسانی به همبستگی ملی

نیروی کاری که در اختیار کشور است میتواند و باید سازنده و ثمر آفرین باشد و فراهم آوردن زمینه و شرایط این سازندگی و ثمر آفرینی وظیفه و مسئولیت دولت است.

دولت یادر هم شکستن حتی بخشی از نیروی کار ملت، از صلی‌ترین وظیفه خود غفلت نابخشودنی میکند.

هر روز با گروهی از مردم به ستیزه برخاستن و هر روز گروهی از مردم را پریشان کردن و آزردن خاطر ساختن، شیوه درست اداره کشور نیست. معیار اصلی توانایی و عدالتخواهی حکومتها، شیوه برخورد آنها با مردم کشورشان میباشد و فلسفه سیاسی درست هر حکومت ایجاد اشتغال است، و آماده سازی

مردم برای اشتغال. مردمی که با نثار خون خود در دشت و کوهسار ایران به دفاع از میهن و انقلاب خویش برخاسته‌اند مردمی که با بردباری همه خواسته‌های حکومت را بی‌چون و چرا به گردن گرفته‌اند، از این بی‌مهری‌ها به شدت آزرده میشوند.

مردم آماده همکاری و همگامی با حکومت هستند و اگر دشواری در میان است باید با تفاهم کامل و دادگری هر چه بیشتر از میان برداشته شود.

در شرایطی که ایران به جنگی تحمیلی کشیده شده است و بیش از هر چیز به همبستگی ملی نیاز دارد، چرا باید آتش تشنج در یک گوشه از سازمان اداری کشور برافروخته شود. آیاماجرای در هم شکستن زندگی کارکنان دولت به همین جا پایان مینماید یا اینکه ماجرا دنباله دارد.

چگونه میتوان در جمع بزرگ کارکنان دولت که شاهد این ماجرای غم‌انگیز میباشند، امید شوق سراغ گرفت. مگر میتوان بدون امید و شوق در همه گروه‌های اجتماعی، جنگ سرنوشته‌ساز کنونی را با پیروزی به پایان برد؟ آنچه که در وزارت ارشاد ملی گذشته است، اینک در جمع همه کارکنان دولت در سرتاسر کشور به زبانهای گوناگون بازگو میشود و از رهگذر آن در این گروه اجتماعی بزرگ افسردگی و بی‌امیدی پدید می‌آید.

چگونه میتوان از یک سو امید و شوق و زندگی مردم را فرو کوفت و از سوی دیگر از آنان همبستگی و ایثار طلب کرد

اگر مردم همبستگی و ایثار خود را نشان داده‌اند، دولت هم باید با دادگری و مهر با ایشان روبرو شود. دولت باید برای همه کارکنان خود اشتغال مناسب فراهم کند و هیچ استدلالی این اصل را به تزلزل نتواند افکند.

دولت باید شیوه‌های مهرآمیز را در برابر مردم وفادار و صمیمی فرزند که اگر جز این کند، بر خود آسیب رسانیده است.

کار انجام شده در وزارت ارشاد ملی نه تنها در خور دوران سازندگی انقلاب نمیباشد بلکه آشکارا نقض قانون اساسی است که بر ایجاد و انحلال و تعطیل وزارتخانه‌ها تشریفات خاص شناخته، دولت باید ماجرائی را که در وزارت ارشاد ملی گذشته و تنها از روحیه انحصارگری و بی‌اعتنائی به قانون برخاسته پیدرنگ برگرداند.

هستند که در گذشته سیر همین نقش را بازی میکردند. میهن پرگ ما با امکانات طبیعی و دشمنهای پهناور و زودهای خروشان این توانائی را دارد که در چهار فصل سال بیش از دو تا سه بار کشت نمساید و نیامندیهای غذایی مردم را تأمین نماید فقط کاردانی در برنامه‌ریزی و قدرت اجرایی لازم است که نیازها را درک و به اندازه توان آب و خاک و هوای منطقه طرحهای لازم را بعمل آورد و رشته‌های وابستگی را یکی پس از دیگری قطع نماید. اینک در حدود بیست ماه از ساقط شدن نظام سلطنتی وابسته به بیگانه میگذرد ولی ایران هنوز در عمل برای تأمین نیازمندیهای روزمره مردم در بند شرکتهای واردکننده کشورهای دیگر میباشد کار بدستان وزارت کشاورزی و عمران روستائی در این مدت برای سازندگی بهترین فرصتها را از دست داده و باقیمانده کشاورزی ویران شده را نیز بسرحد نابودی کشانده‌اند. بدستور رهبر انقلاب، مردم

امسال زمینهای وسیعی را بزرگ کشت گندم آوردند ولی بعزت در اختیار نداشتن بذر سالم و کود خوب و شبکه آبرسانی درست و بالاتر از همه ماشینهای برداشت، قسمت عظیمی از این فرآورده از بین رفت و تولید گندم امسال حتی کمتر از سال گذشته شد. در صورتیکه سطح زیر کشت بیش از سال پیش بود وزیر وقت که در کشاورزی تجربهای نداشت فقط با توجه بسطح زیر کشت دادن سخن برآورد و اعلام داشت، کشور امسال از خرید گندم بی‌نیاز است و گندم لازم در داخل کشور تأمین میشود، ولی از طرف دیگر هر شب در روزنامهها به اطلاع رساندند که هزارها تن گندم از خارج خریداری و به تدریج وارد میشود، کدام را باید قبول نمود؟ آیا هنوز هم دست اندرکاران باید بمردم دروغ تحویل دهند و آگاهیهای نادرست در اختیار مردم گذارند، اکنون با هجوم وحشیانه‌ای که به میهن ما شده است، وقت آن میباشد تا کار بدستان کشور بخود آیند و براری

کشاورزی ایران یک برنامه‌ریزی جنگی کنند. امروز باید از همه کشاورزان خواست به کوشش خود بیفزایند و بخصوص مردمی را که در واحدهای کشاورزی فعالیت میکنند به تولید بیشتر تشویق کرد و هرگز نباید با عملکردهای غلط باعث دل‌سردی و ناامیدی آنها شد. چنانچه بعضی از نهادهای انقلابی مانند جهاد سازندگی که جوانانی فداکار در آن به یاری کشاورزان میشتابند نبود، شاید اندک فرآورده‌های امسال هم، بنابودی کشیده میشد. اینک هزاران واحد کشاورزی، تعطیل شده است که باید هرچه زودتر برای برآوردن اندازی آنها دست بکار شد. جنگ پی‌آمدهای زشتی چون کمبود و حتی قحطی دارد، کار بدستان باید تنگ نظریهای تفرقه‌افکن را کنار گذارند و از تخصص کسانی که به میهن و انقلاب وفادار مانده‌اند و حاضر به ایثار میباشند، استفاده کنند. باید به مردم آموزش داده

فقر به نوبه خود به تشدید فقر اقتصادی کمک می‌کند و باز دوباره فقر اقتصادی به تشدید دیگر حالتهای فقر یاری می‌رساند.

این تأثیر متقابل فزاینده که میان عاملهای اقتصادی و غیراقتصادی رخ میدهد پس از گذشت زمان، حالت استواری می‌یابد، یعنی روحیه کار و تلاش و شوق به گرفتن تخصص را سست می‌کند، و قلندرآبی و بی‌تفاوتی نسبت به هرچه هست را پدید می‌آورد و همگان بی‌پروا از فسق و فسادهای روحی و فکری و معاشی میشوند، که «بیسایس غم و خانه زبنیا دبیر»

اگر این حالتها در جامعه پدید آید، در بالا ریشه‌کن آنها به برنامه‌ها و تلاشهای شگرف و خارج از توانائی کشور فقر زده نیاز پیدا میکند.

کشوری که در دور مصیبت خیز «تراکم فقر» فرو می‌افتد به سرعت قدرت سازماندهی و ابتکار و توانائی‌های روحی و عاطفی خود را از دست میدهد و در نتیجه قدرت رویارویی با فقر و از میان برداشتن وی دربر آیند توانائی‌های ملی باقی نمی‌ماند.

نباید گذاشت که کار به مرحله فقر مترکم برسد باید از آغاز روند تراکم فقر را جلو گرفت، و گر نه آنگاه که فقر پرشد و به تراکم رسید، دیگر از میان برداشتن آن، به «پیل‌ها» نیاز دارد.

برای آنکه فقر به حد تراکم نرسد، به سرمایه‌گذاری پیوسته و بی‌وقفه نیاز است. و دشواری اقتصاد ایران در سه سال گذشته رو به افول رفتن سرمایه‌گذاری است.

می‌باید با سرعت و قدرت روند سرمایه‌گذاری را از توقف به در آورد، تا اندازه فراوانی در این کار درنگ شده است، و دیگر درنگ بیشتر روا نمی‌باشد، درنگ بیشتر در کار سرمایه‌گذاری خاستگاه دردها و گرفتاریهای جدید خواهد بود، باید به هر صورت و هر ترتیب که ممکن است سرمایه‌گذاری را به راه انداخت.

راه افتادن سرمایه‌گذاری به زمینه‌ها و شرایط مناسب حقوقی،

## اقتصاد کشور را بیاورد از تباهی رهناید

مقام به گوش میرسید، ولی حتی برای صرفه‌جویی هم مبنای خاصی به دست داده نشد.

بطور خلاصه، در لابلای قاعده‌ها و نهادهای سازماندهی از نظام گذشته و تصمیم‌های ناهم‌آهنگ کار بدستان، اقتصاد کشور چون کودکی آواره و بی‌سرپرست، سرگردان ماند.

اینک طفل آواره‌ی اقتصاد ایران از بی‌بناهی، زخمها برپدن دارد و اگر در درمان آن کوشش نشود، این زخمها چرکین و فلج کننده میگردد.

اینک باید با دقت و حوصله، و به دور از نظریه پردازی جراحتهائی را که بر اقتصاد کشور رسیده است باز شناخت و با آگاهی و هشیاری به درمان آنها برخاست.

تکیه به صرفه‌جویی و کم مصرف کردن، که اصلی‌ترین رهنمود اقتصادی دولت میباشد، بسیار درست و باید که به بیشترین حد ممکن به موقع اجراء گذاشته شود.

ولی تکیه به صرفه‌جویی به تنهایی هیچ دشواری را از میان نخواهد برد و می‌باید با سرمایه‌گذاری همراه باشد. حذف کردن سرمایه‌گذاری و شدیدتر کردن صرفه‌جویی به معنای به فقر بیشتر کشاندن

کشور است، فقری که روزافزون خواهد بود و اگر در مدتی به حد تراکم برسد، از میان برداشتن آن به آسانی میسر نمی‌شود.

فقر نیز مانند سرمایه در بستر زمان به تشدید و تراکم خود می‌پردازد و هرچه زمان در فقر بگذرد، لانه کردن فقر در تاروپود حیات ملی وسیعتر و عمیقتر و استوارتر می‌گردد، که در اصطلاح آنرا «فقر مترکم» می‌خوانیم و تراکم فقر، در مجموعه حیات ملی، حالتی پدیدار می‌کند که بر کندن آنها با وسیله‌های معمولی ممکن نمی‌شود.

فقر اقتصادی در بستر زمان، فقر فرهنگی و فقر اخلاقی و فقر سیاسی می‌آفریند و این حالتها ی

شود که چگونه از صایعه‌های غذایی جلوگیری نماید.

باید کار بدستان خود بیاموزند و به دیگران هم بیاموزند، که در جنگ ملتهای گوناگون چگونه برای افزایش تولید کشاورزی برنامه‌ریزی کرده‌اند.

در جنگ جهانی دوم، بعضی از ملتها نه تنها همه خاک بارور خود را به زیر کشت آورده بودند بلکه به همه آموخته بودند تا در جلوی خانه‌ها و باغچه‌ها و حتی گلدهای خود، گیاهائی چون سبزی و کاهو و سیب‌زمینی بکارند و خانواده را از جهت این ماده‌های غذایی بی‌نیاز گردانند. برنامه‌ریزی کشاورزی در زمان جنگ نیاز به کاردانی و کارائی هرچه بیشتر دارد که امید است کار بدستان و وزارت کشاورزی و عمران روستائی بی‌درنگ آنرا طرح و اجرا کنند و اگر دانائی و توانائی لازم را در خود نمی‌بینند، وجدان انسانی ایجاب میکند تا جای خود را به کسانی بسپارند که دارای ایمان و تخصص و قدرت عمل میباشند.

روائی، اقتصادی، اجتماعی نیاز دارد این شرایط می‌باید به طور بسیار روشن شناخته و اعلام شود و سپس با ارج و پایدار بماند و مورد عمل قرار گیرد.

اگر قرار است بخش خصوصی هیچ سرمایه‌گذاری نکند، این نظریه روشنی اتخاذ و اعلام گردد و اگر زمینه‌های خاص و اندازه‌های معینی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در نظر گرفته میشود، باید این زمینه‌ها و اندازه‌ها نیز بطور بسیار دقیق مشخص و اعلام گردد.

اگر قدرت اقتصادی دولت درحدی است که بسکلی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بی‌نیاز است، و یا اگر فلسفه سیاسی و فلسفه اقتصادی دولت آن است که آرام دست بخش خصوصی را از حیات اقتصادی کوتاه کند، باید در برنامه خود این نظریه را وارد نماید و در عمل به اجرای آن بپردازد.

زمینه‌های حقوقی سرمایه‌گذاری باز میهن روانی آن ارتباط مستقیم دارد، دولت نباید تصور کند که با اجرای مانورهای گمراه کننده می‌تواند بخش خصوصی را به میدان سرمایه‌گذاری بکشد و سپس دست آن را از کارها کوتاه کند.

مبهم بودن شرایط حقوقی سرمایه‌گذاری خواه و ناخواه، شرایط روانی نامساعد برای این کار برمی‌انگیزد و پدید آمدن چنین شرایط نامساعدی، همه امکان‌های سرمایه‌گذاری را نابود می‌سازد.

حکومت نباید مقاصد خود را پنهان نگاه دارد و در نهان به انجام رساند، حکومت باید هدف و روش خود را بطور دقیق روشن سازد و اعلام کند و همه تصمیمها را با آنها انطباق دهد.

گفتگو راجع به مقاصد حکومت نیست، راجع به چگونگی اجرای این مقاصد است و در این نوشتار به هیچ روی در زمینه شرایط فعالیت بخش خصوصی پیشنهادی طرح نمیکرد بلکه فقط یادآوری میشود که در هیچ صورت و با هیچ استدلالی قابل قبول نیست که حکومت از یک

بقیه در صفحه هشتم

